



«فرمانده انتظامی البرز» خبر داده:

کشف کلاهبرداری

۷۴۰ میلیارد ریالی

«دنیای هوادار» وانکاری می‌کند: مسیر لشرش دارو از حق درمان به کالای لوکس؟

دارو دور شد!



اصرار بر تنفrazایی:

سقوط آزاد به سبک خداداد

سقوط چنین کم شد یا به زیر زمین رفت؟

غیاب مسئولیت در خلاء اخلاق

ضرب‌الاجل دولت به خودروسازان در بزرگانه ناترازی انرژی؛ خودرو در پیچ آخر؟

حرف اول



ابرها می‌آیند، مدیریت نمی‌بارد؛ لطفاً ما را باردار کنین!

دادگاه کاغذی هوادار؟

محمود کاتبی

اعلان رسمی دادگاه کاغذی

این جلسه رسمی «دادگاه کاغذی هوادار» به نام فن‌آوری آغاز می‌شود! لازم به ذکر است این دادگاه صرفاً روی کاغذ است و هیچ دستگیری و دستبندی در کار نیست؛ متهمین نهایتاً پایشان به تحریریه روزنامه باز می‌شود، نه زندان. با این توضیح، زنگ آغاز دادگاه نواخته شد.

خواهان: ابرآوری

خواننده: فن‌آوری

درخواست: باران‌آوری

خواهان: ما ابرهای کومولوس، سیروس، کومولونیمبوس، استراتوس، استراتوکومولوس، آلٹوکومولوس، نیمبوستراتوس، سیرکومولوس، سیرواستراتوس و فامیل‌های وابسته از شما جناب خواننده، که ادعا داری همه فن حریف هستی و از هیچ، هویج می‌سازی، گل‌مند هستیم! خواننده: ای به فدای شما که اولتان لوس و آخرتان بوس است! مگه چه گناهی از من سر زده که سرزده به ما حمله کرده‌اید؟

خواهان: ما رهگذریم، بعضاً از جنوب غرب، گاهی از شمالغرب و در پارهای از مواقع سوار بر بادهای جنوب و گاهی با جریانات شمالی، بر این سرزمین وارد



می‌شویم تا بارمان، باران را که به قول شاعر در لطافت طبعش خلاف نیست را زمین بگذاریم، اما افسوس و تعجب!

خواننده: چرا افسوس و تعجب؟! دو واژه که دارای بار منفی و غیرمتجانس هستند!

خواهان: آهان! پس معلوم شد که واقعا از اهالی فن هستی و با دانش سر و کار داری! ببین داداش گلم، افسوس برای خودت که ادعا می‌کنی قادر هستی ما را بارور یا به اصطلاح از ترکیب ذرات مثبت و منفی می‌توانی ما را باردار کنی!

و افسوس، برای اون رفیق و رئیس اسبقتون که به ما تهمت زد و توی یکی از سخنرانی‌های اقلیمی فرمایش کرد که ابرها میان بالای سرزمین ما، از اون بالا نگاه می‌کنند می‌بینند اینجا خشک است، رد می‌شوند و نمی‌بارند! تهمت و توهین از این بالاتر! یعنی ما اینقدر بی‌معرفتیم؟! بدش هم اصولاً ما وظیفه داریم بریم اون جاهایی که خشک و تشنه هستند رو سیراب کنیم! آقای دکتر! آخه این چه فرمایشی بود؟ فکر خودت نبود، دست‌کم آبروی ما رونم‌پردی!

خواننده: حالا بعد این همه رودرزاری! واضح بگید از جون من چه می‌خواین؟

خواهان: ببین آقای فن‌آوری! ما همراه خودمون کلی جاذبه‌های الکتریکی داریم، کافیه جنابعالی همت کنی و با ابزار لازم و مولفه‌های عامل، ما را حامل کنی! خواننده: جل‌الخالق! یعنی همین‌جور الکی! نه قرار مداری! نه توافق و تفاهمی! نه عشق و محبتی! نه امضاء و محضری!

خواهان: آهای! کجایی؟ انگاری وهم و گمان ورت داشته؟ کدوم‌قرار، کدوم امضاء؟ چرا چرت و پرت میگی؟ ما داریم می‌گیم با توجه به ماهیت فنی که در شما سراغ داریم، تراکم ما را در هم بیچ و و اینور اونورمون بکن و صدامون رو دربیار و اشکمون رو دربیار! یا به زبان سادتر یعنی با انرژی الکتریکی ما را بارور کن تا باران رحمت را بر سر مردم این سرزمین فرو بریزیم! فهمیدی آقای فن‌آوری؟!

رای دادگاه

جناب منشی، با توجه به ادله‌های خواهان و خواننده، مقتضی است خواهان و خواننده را دست به دست بدهید تا به برکت دعای خیر ملت، حاصل جمع آن‌ها، باعث شادی و نشاط در جامعه شود، انشاءالله/ ختم جلسه!

به تاریخ: دیروز/ امروز/ فردا

مهرداد تیموری

سند فناوری‌های نوین خودرو در حال تدوین است و دولت این بار به جای زبان توصیه از ضرب‌الاجل حرف می‌زند. یک سال فرصت داده شده تا موتور اصلاح شود، مصرف سوخت پایین بیاید و مسیر فرسوده گذشته متوقف شود. در غیر این صورت ارز قطع می‌شود و خط تولید می‌ایستد. این تغییر لحن تصادفی نیست. صنعت خودرو در نقطه‌ای ایستاده که دیگر تعارف‌های اداری کار نمی‌کند و هزینه تملل مستقیماً روی دوش اقتصاد، محیط زیست و سفره مردم می‌نشیند.

سال‌هاست سیاست انرژی و صنعت خودرو در دو مسیر جدا حرکت کرده‌اند. یکی از ناترازی بنزین می‌گوید و دیگری از تیراژ و اشتغال. نتیجه روشن است: خودروهایی پرمصرف که هر کدام سهمی از کسری سوخت، آلودگی هوا و فشار بودجه را حمل می‌کنند. وقتی واردات بنزین دوباره به خبر روز تبدیل می‌شود و اعداد مصرف از کنترل خارج شده‌اند، هشدار یک‌ساله معنای تازه پیدا می‌کند.

سند جدید قرار است این گره قدیمی را باز کند. نه با شعارهای کلی، که با پیوند زدن فناوری موتور، مصرف سوخت و دسترسی به ارز پیام روشن است: ادامه تولید بدون اصلاح فنی دیگر قابل توجیه نیست. پرسش اینجاست که آیا این سند آغاز تغییر است یا نسخه‌ای دیگر برای یگانگی. تجربه اسناد پیشین خوش‌بینانه نیست، اما تفاوت امروز در هزینه تملل نهفته است. هر ماه تأخیر، بنزین بیشتری می‌سوزاند و اعتماد عمومی بیشتری را فرسوده می‌کند.

نگارنده در این سطور دنبال پاسخ ساده نیست. مسئله فقط توان فنی خودروسازان نیست، پای انگیزه، سیاست حمایت و اراده اجرا در میان است. اگر دولت تا انتها پایبستد، صنعت ناچار به انتخاب می‌شود. اگر عقب‌نشینی کند، این هشدار هم به حافظه کوتاه وعده‌ها سپرده خواهد شد. مسیر پیش رو روشن است و زمان تصمیم نزدیک تر از همیشه شده است و هر تأخیر تازه هزینه‌ای تازه می‌سازد برای دولت صنعت و جامعه امروز فردا نه.

وقتی بنزین، فرمان صنعت را می‌چرخاند

پرسش «چرا حالا» تصادفی نیست. صنعت خودرو سال‌هاست در وضعیت تعلیق حرکت می‌کند، اما آنچه امروز دولت را به زبان ضرب‌الاجل رسانده، مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان است: ناترازی بنزین، بازگشت بحث واردات سوخت، فشارهای محیط‌زیستی و فرسایش بودجه عمومی. برای نخستین بار، مسئله مصرف سوخت نه به عنوان یک دغدغه فنی، که به عنوان تهدیدی برای امنیت انرژی و اقتصاد کلان مطرح شده است. در چنین شرایطی، خودرو دیگر یک محصول صنعتی صرف نیست؛ هر موتور پرمصرف، یک تصمیم سیاستی نادرست را بازتولید می‌کند. سند فناوری‌های نوین خودرو دقیقاً در همین نقطه وارد

میدان شده است. تفاوت اصلی آن با اسناد پیشین در اتصال مستقیم فناوری به منابع ارزی است. پیام ساده است: تولید بدون اصلاح فنی، حمایت بدون شرط دریافت نمی‌کند. این همان جایی است که سیاست انرژی برای نخستین بار دست روی گلوی صنعت می‌گذارد. تجربه نشان می‌دهد تا زمانی که حمایت‌ها بی‌قید و شرط بوده، انگیزه‌ای جدی برای تغییر شکل نگرفته است. خودروسازان در فضایی رشد کرده‌اند که تیراژ مهم‌تر از کیفیت بوده و مصرف سوخت در حاشیه مانده است. از این زاویه، پرسش ناتوانی فنی چندان قانع‌کننده نیست. اصلاح موتور، کاهش مصرف و به‌روزرسانی پلتفرم‌ها فناوری‌های ناشناخته‌ای نیستند. مسئله اصلی به انگیزه و هزینه بازمی‌گردد. سال‌ها سیاست‌گذاری طوری طراحی شده که نوآوری پرریسک و حفظ وضع موجود کم‌هزینه‌تر بوده است. واردات فناوری هم همیشه به عنوان گزینه‌ای پرهزینه و سیاسی دیده شده، نه راهکاری اقتصادی. نتیجه این رویکرد، صنعتی است که بیشتر به بقا فکر کرده تا تحول.

سند روی کاغذ، دولت در میدان

اینجا نقطه حساس ماجراست: ضمانت اجرا. سند راهبردی هر قدر دقیق باشد، بدون ایستادگی دولت به سرنوشت پیش‌بینانش دچار می‌شود. تهدید قطع ارز اگر در حد اعلام بماند، پیام معکوس می‌دهد و صنعت را به انتظار عقب‌نشینی عادت می‌دهد. پرسش اصلی این است که دولت تا کجا حاضر است هزینه بدهد. توقف تولید، بیکاری موقت و فشار رسانه‌ای سناریوهایی واقعی هستند. اجرای این سند، تصمیمی فنی نیست؛ یک انتخاب سیاسی تمام‌عیار است. در این میان، نقش انجمن‌ها و نهادهای تخصصی تعیین‌کننده است. اگر حضور آن‌ها تشریفاتی بماند، سند به نسخه‌ای آرمانی تبدیل می‌شود. مشارکت واقعی یعنی تعریف شاخص‌های قابل سنجش، زمان‌بندی شفاف و گزارش‌دهی عمومی. جامعه باید بداند اصلاح موتور دقیقاً یعنی چه، مصرف سوخت قرار است به چه عددی برسد و چه کسی پاسخ‌گوست. شفافیت، تنها ابزار حفظ اعتماد عمومی در مسیر پرهزینه اصلاح است.

نباید حلقه مصرف‌کننده را فراموش کرد. هر اصلاحی که صرفاً هزینه‌ها را به قیمت نهایی خودرو منتقل کند، مشروعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. مردم سال‌ها هزینه ناکارآمدی را پرداخته‌اند، بدون آنکه کیفیت متناسبی دریافت کنند. اگر سند فناوری‌های نوین به خودروی بهتر، ایمن‌تر و کم‌مصرف‌تر منجر نشود، حتی اجرای سخت‌گیرانه هم رضایت ایجاد نمی‌کند. اینجا پیوند صنعت و جامعه معنا پیدا می‌کند. در نهایت، این سند آزمون اراده است. نه فقط برای خودروسازان، که برای دولت. صنعت خودرو در نقطه‌ای ایستاده که انتخاب نکردن هم یک انتخاب است، انتخاب ادامه مسیر فرسایشی. پرسش این است که آیا این بار دولت حاضر است بهای تغییر را بپردازد و از خط تهدید



عقب نشینند. پاسخ این پرسش، سرنوشت سند را تعیین می‌کند، نه متن آن.

صنعت خودرو به انتهای خط تعارف رسیده است. مسأله دیگر تدوین سند یا نوشتن راهبرد نیست؛ مسأله تصمیم است. تصمیمی که اگر امروز گرفته نشود، فردا با هزینه‌ای چندبرابر تحمیل می‌شود. ناترازی بنزین، آلودگی هوا و فشار بودجه عمومی، همگی نشانه‌های یک خطای انباشته هستند که سال‌ها نادیده گرفته شد. حالا سند فناوری‌های نوین خودرو در برابر این خطا ایستاده، نه به عنوان متن نجات‌بخش، که به عنوان آخرین فرصت اصلاح. این سند فقط درباره موتور و مصرف سوخت نیست. درباره نوع نگاه به صنعت است. سال‌ها خودرو در ایران با منطق بقا اداره شد، نه با منطق رقابت. حمایت‌ها بدون شرط ادامه یافت و نوآوری به حاشیه رانده شد. نتیجه روشن است: محصولی که برای اقتصاد ملی پرهزینه است و برای مصرف‌کننده رضایت‌آور نیست. پیوند زدن فناوری به ارز، اگر تا انتها اجرا شود، می‌تواند این منطق را بشکند و صنعت را وادار به انتخاب کند. با این حال، همه چیز به ایستادگی دولت گره خورده است. تهدید قطع ارز زمانی معنا دارد که عقب‌نشینی نداشته باشد. اجرای این مسیر بدون هزینه نیست، اما نپرداختن این هزینه، آینده را گران‌تر می‌کند. هر ماه تعلل، بنزین بیشتری می‌سوزاند، آلودگی بیشتری تولید می‌کند و اعتماد عمومی را فرسوده‌تر می‌سازد. جامعه دیگر تحمل آزمون‌های بی‌پایان را ندارد.

در سوی دیگر، مصرف‌کننده باید نتیجه را لمس کند. خودروی کم‌مصرف، ایمن‌تر و باکیفیت‌تر، تنها دستاورد قابل قبول این تحول است. اگر اصلاح به افزایش قیمت بدون بهبود واقعی ختم شود، سند هر قدر هم سخت‌گیرانه باشد، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. رضایت عمومی، شاخص نهایی موفقیت این مسیر است. صنعت خودرو در نقطه‌ای ایستاده که راه بازگشت ندارد. یا به فناوری متصل می‌شود و سهم خود را از اصلاح حکمرانی انرژی می‌پذیرد، یا به یکی از پرهزینه‌ترین ناکارآمدی‌های اقتصاد ایران بدل می‌شود. این بار، تاریخ منتظر توضیح و توجیه نمی‌ماند. نتیجه، همان چیزی خواهد بود که امروز انتخاب می‌شود.

ده‌ها هزار معترض مجارستانی در بخشی از اعتراضات و تجمعات خود در بوداپست خواستار برکناری نخست‌وزیر به دلیل انفعال او در قبال رسوایی‌های مکرر سوءاستفاده‌ها از کودکان در این کشور شده‌اند. «ویکتور اوربان» نخست وزیر مجارستان از زمان روی کار آمدن در ۲۰۱۰، قول داده بود که حفاظت از کودکان

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۵۸



یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شعبان واحدی همت» که ۲ فروردین ۶۷ به مقام شاخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



پنجاه درصد کاهش. عددی درخشان که روی تریبون رسمی اعلام می‌شود و قرار است خیال سیاستگذار را راحت کند. سقط جنین کم شده، قانون جواب داده، فرهنگسازی اثر کرده و نظام سلامت مسیر درست را رفته است. اما درست همان جایی که عدد می‌درخشد، پرسش شروع می‌شود. کاهش نسبت به چه؟ با چه داده‌ای؟ در کدام بستر اجتماعی و اقتصادی؟ وقتی نماینده مجلس از ۵۳۰ هزار سقط سالانه حرف می‌زند و همزمان از تقلیل آن به ۲۵۴ هزار مورد می‌گوید، مسئله فقط حساب و کتاب نیست. مسئله معنای این عدد در زندگی واقعی زنان، خانواده‌ها و پزشکان است.

در سال‌هایی که تورم، ناامنی شغلی و فرسایش اعتماد عمومی به سیاست‌های حمایتی به اوج رسیده، بارداری ناخواسته دیگر صرفاً یک تصمیم فردی نیست. تبدیل به نقطه تلاقی فشار اقتصادی، ترس از آینده و مداخله سختگیرانه دولت شده است. تغییر واژه سقط به ختم بارداری، تشدید مجازات‌ها، ورود نهادهای قضایی، نشانه یک چیز است: سیاست جمعیتی از حوزه انتخاب آگاهانه خارج شده و به میدان کنترل بدن و تصمیم خصوصی کشیده شده است. پرسش اینجا است. آیا کاهش آماری، به معنای حل مسئله است یا فقط پنهان کردن مسائل آن؟

ادعای کاهش ۵۰ درصدی سقط جنین، اگر جدا از زمینه اجتماعی و اقتصادی بررسی شود، شبیه گزارشی است که فقط روی دماسنج تمرکز می‌کند و از تیدار بودن بدن حرفی نمی‌زند. پرسش اصلی این نیست که عدد کم شده یا نه؛ پرسش این است که چرا سقط رخ می‌دهد و سیاست عمومی با این «چرا» چه کرده است. آیا کاهش ادعایی نتیجه افزایش حمایت اجتماعی است یا حاصل ترس، محدودسازی و عقب‌راندن مسئله به زیرزمین؟

وقتی بارداری در جامعه‌ای با تورم مزمن، فرسایش نظام رفاه و کاهش امید به آینده اتفاق می‌افتد، تصمیم به ادامه یا عدم ادامه آن از حیطة اخلاق انتزاعی خارج می‌شود. زن باردار را نمودارهای مجلس تصمیم نمی‌گیرد؛ با دخل‌وخرج، امنیت شغلی، هزینه درمان و کیفیت زندگی فرزند آینده‌اش تصمیم می‌گیرد. در چنین بستری، سختگیرانه‌تر شدن قانون لزوماً به معنای تغییر تصمیم نیست و به معنای تغییر مسیر تصمیم است. کاهش رسمی سقط می‌تواند همزمان با افزایش سقط‌های ناایمن، پنهان و پرخطر رخ دهد؛ همان تجربه‌ای که تاریخ سیاست‌گذاری‌های تنبیهی در جهان بارها نشان داده است. تغییر ادبیات از سقط به ختم بارداری، اگرچه در ظاهر بی‌طرفانه به نظر می‌رسد، اما در عمل تلاشی برای زدودن بار انتخاب از یک مسئله عمیقاً انسانی است. وقتی قانون، بدن زن را میدان مداخله می‌کند اما مسئولیت اقتصادی و اجتماعی کودک را به آینده نامعلوم می‌سپارد، مسئله حل نمی‌شود؛ فقط به تعویق می‌افتد. تأکید مکرر بر این گزاره که حق حیات نه در اختیار پزشک است و نه والدین، بیش از آنکه مسئله‌ای اخلاقی را حل کند، شکاف اعتماد را عمیق‌تر می‌کند. پزشکی که با پروتکل‌های سختگیرانه دست‌بسته می‌شود، خانواده‌ای که از غربالگری محروم می‌ماند و زنی که میان بارداری پرریسک و آینده‌ای نامطمئن رها می‌شود، همه در یک نقطه مشترک‌اند. دولت حضور دارد، اما نه به شکل حمایتگر؛ به شکل ناظر، بازدارنده و قاضی. سیاست جمعیتی اگر به جای تقویت بیمه، حمایت از مادر، تضمین درمان و کاهش اضطراب اقتصادی، صرفاً بر مجازات، محدودسازی و فرهنگسازی یک‌طرفه تکیه کند، ناگزیر به عدس‌سازی پناه می‌برد. عددی که خوب روی اسلاید می‌نشیند، اما در زندگی روزمره کار نمی‌کند. کاهش واقعی سقط، محصول انتخاب امن و آگاهانه است، نه انتخابی که زیر سایه ترس و فشار شکل گرفته باشد.

پایان ماجرا جایی است که باید صریح گفت: جامعه‌ای که

فرزندآوری را بدون امنیت اقتصادی مطالبه می‌کند، مسئولیت

اخلاقی خود را به دوش ضعیف‌ترین حلقه زنجیر می‌اندازد.

اگر سیاستگذار خیال می‌کند با بستن درهای رسمی، مسئله

ناپدید می‌شود، اشتباه می‌کند. سقط جنین مسئله عدد

نیست؛ مسئله اعتماد، حمایت و آینده است. و تا وقتی این

سه ترمیم نشوند، هر آماری، فقط یک گزارش خوش‌ظاهر

است؛ نه یک نه پیروزی واقعی.

معترضان مجارستانی برکناری نخست‌وزیر را خواستار شدند

را در کشور در اولویت قرار دهد اما چندین مورد پرونده رسوایی سوءاستفاده از کودکان در سال‌های اخیر باعث تضعیف دولت او شده است.

الجزیره در گزارشی از این اعتراضات گفت: اعتراضات اخیر به رهبری «پیتر ماگیار» رهبر حزب مخالف TISZA، پس از آن صورت گرفت که ادعاهای جدیدی در مورد

یک بازداشتگاه نوجوانان در بوداپست، پایتخت این کشور در ماه سپتامبر منتشر شد. تصاویر دوربین‌های امنیتی این مرکز، مدیر بازداشتگاه نوجوانان خیابان «سزولو» را در حال لگد زن به سر یک پسر نشان می‌داد.

اوایل این هفته، چهار نفر از کارکنان این مرکز بازداشت

دنیای هودار

«دنیای هودار» واکاوی می‌کند: مسیر لغزش دارو از حق درمان به کالای لوکس؛

دارو دور شد!

ایمان روزبهنایی

دارو همواره آخرین سنگر بوده است. جایی که حتی در تنگ‌ترین سال‌ها، حتی در دل جنگ و تحریم و تورم، قرار بود خط قرمز بماند. نان شاید گران شود، بنزین سهمیه‌ای شود، سفر کوچک شود؛ اما دارو نه. دارو قرار بود از منطق بازار، از بازی ارز، از چانه‌زنی بودجه‌ای، از مصلحت‌سنجی‌های کوتاه‌مدت، مصون بماند. چون دارو کالا نیست؛ درمان است. حق است. مسئله مرگ و زندگی. اما حالا، آرام و بی‌سروصد، این خط قرمز پاک شده است. نه با یک تصمیم ناگهانی، نه با یک شوک رسمی؛ با انباشت سیاست‌های نیمه‌کاره، اصلاحات ناقص، و انتقال تدریجی هزینه‌ها به ضعیف‌ترین حلقه زنجیره: بیمار. بحران امروز دارو را نمی‌توان فقط به حذف ارز ترجیحی تقلیل داد. مسئله عمیق‌تر از یک عدد در جدول بودجه است. دارو در تلاقی چند شکست هم‌زمان ایستاده: ارزی که ثبات ندارد، بیمه‌ای که سیر نیست، تولیدی که سوده نیست و مدیریتی که هر بخشش تصمیم خودش را می‌گیرد، بی‌آن‌که تصویر کلی درمان را ببیند. نتیجه روشن است: دارو از «حق درمان» به «امتیاز طبقاتی» لغزیده است. وقتی قیمت یک داروی ساده برای بازنشسته، کارگر یا بیمار مزمن به معمای انتخاب میان «درمان» و «معیشت» تبدیل می‌شود، دیگر با یک مسئله فنی طرف نمی‌نسیم. اینجا سیاست ارزی، سیاست بیمه‌ای و سیاست سلامت، مستقیم روی بدن انسان اثر گذاشته‌اند. اینجا است که باید پرسید: آیا نظام سلامت ایران هنوز توان محافظت از بیمار در برابر شوک‌های اقتصادی را دارد، یا دارو نخستین قربانی اصلاحاتی شده که قرار بود نجات‌بخش باشند؟

دارو زیر تیغ نوسان ارز

در دنیای امروز، ثبات ارز یکی از ارکان اساسی برای تأمین و تولید دارو است. اما در ایران، نوسان‌های شدید ارزی و یک بحران بی‌پایان تبدیل شده‌اند که تولید دارو را به یک فعالیت غیرسودده تبدیل کرده است. هزینه‌های تولید دارو ۷۰ درصد وابسته به ارز آزاد است. این یعنی تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه یا پرداخت هزینه‌های واردات، مجبور به خرید ارز با قیمت‌های نوسانی هستند؛ بنابراین، قیمت دارو نیز به تبع تغییرات نرخ ارز تغییر می‌کند. اما آیا می‌توان قیمت دارو را با نوسانات ارز همگام کرد؟ جواب روشن است: خیر. درواقع، این سیاست ارزی ناپایدار علاوه‌بر اینکه به عدم

توانایی در پیش‌بینی قیمت‌ها منجر شده، کارخانه‌ها را نیز از تولید بیشتر و سودآوری منع کرده است. در چنین شرایطی، تنها کسانی که می‌توانند از دارو استفاده کنند، افراد طبقات مرفه هستند و دارو تبدیل به یک کالای لوکس می‌شود.

زنگ خطر خاموش

کمبود دارو مدت‌هاست که به یک معضل بزرگ تبدیل شده است، اما به دلیل نبود برنامه‌ریزی صحیح و پیگیری مؤثر، عملاً بحران آن به صورت خاموش در حال افزایش است. داروهای حیاتی و عمومی مانند پرنیزولون یا TNG، که بسیاری از بیماران به آن‌ها نیاز دارند، به شدت کمیاب شده‌اند. آیا این کمبودها ناشی از مشکلات در تأمین مواد اولیه است یا سیاست‌های غلط در مدیریت واردات و تولید؟ مسئله‌ای که در این میان نگران‌کننده‌تر است، سهمیه‌بندی دارو است. این اقدام به‌جای حل مشکل، نشانه‌ای از شکست سیستم تأمین است. بسیاری از بیماران مجبور هستند داروهایی با برندهای متفاوت یا حتی کم‌اثرتر را جایگزین کنند، که این خود بحران جدیدی است. کسانی که مسئول پیش‌بینی و جلوگیری از این کمبودها هستند، کجا هستند و چرا هیچ اقدامی برای مقابله با این بحران صورت نمی‌گیرد؟

بیمه‌ها: حلقه ضعیف نظام درمان

شوربخانه سیستم بیمه درمانی در ایران تبدیل به عامل فشار مضاعفی برای آن‌ها شده است. بیمه‌ها در شرایط بحرانی، قادر به پوشش هزینه‌های دارو نیستند و اغلب هزینه‌ها را به دوش مردم می‌اندازند. در نتیجه، بیمارانی که به بیمه‌های درمانی وابسته‌اند، مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف دارو هستند. بیمه‌ها که باید حمایتی در برابر هزینه‌های درمان باشند، عملاً به جایی برای انتقال بحران‌ها تبدیل شده‌اند. آیا این وضعیت به معنای شکست یک سیستم حمایتی نیست؟

تولید دارو در ایران با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. یکی از مهم‌ترین مشکلات، سیاست قیمت‌گذاری دستوری است که به تولیدکنندگان اجازه نمی‌دهد قیمت‌ها را بر اساس هزینه‌های واقعی تنظیم کنند. این امر باعث شده که تولید دارو برای کارخانه‌ها دیگر صرفه اقتصادی نداشته باشد. در نتیجه، در حالی که داروهای تولید داخلی وجود دارند، تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند به‌جای تولید، واردات را دنبال کنند. اما این تصمیم به قیمت افزایش وابستگی به واردات تمام می‌شود و در نهایت داروهای که در داخل کشور قابل تولید هستند، وارداتی می‌شوند.

شدند و دولت اعلام کرد که تمام این مراکز نگهداری از کودکان را تحت نظارت مستقیم پلیس قرار خواهد داد. روز شنبه هزاران معترض در خیابان‌های مه‌آلود بوداپست دست به راهپیمایی زده و بترهایی در دست داشتند که رویشان عبارت «از کودکان حفاظت کنید» نوشته شده بود.



رویداد

داستان جلد



بحران دارویی که امروز در ایران شاهد آن هستیم، صرفاً یک مشکل فنی یا اقتصادی نیست؛ این بحران نمادی از عدم کارایی سیاست‌ها و تصمیمات اشتباه در مدیریت منابع درمانی است. در کشوری که هر روز هزاران بیمار با مشکلات مزمن دست و پنجه نرم می‌کنند، این معضل می‌تواند پیامدهای خطرناکی به همراه داشته باشد. وقتی ارز بی‌ثبات است، بیمه‌ها هیچ حمایتی از مردم نمی‌کنند و تولیدکننده‌ها در شرایط زیان‌ده قرار دارند، تنها نتیجه این خواهد بود که دارو از یک حق بنیادی به یک امتیاز طبقاتی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، هرگونه اصلاحات نیمه‌کاره، هیچ‌گونه کمکی به حل معضلات نمی‌کند و صرفاً درد عمومی را به تعویق انداخته است. آنچه در این بحران بیشتر از همه نگران‌کننده است، این است که سیاست‌گذاران به جای بررسی ساختارهای اساسی و سیستماتیک، بیشتر به دنبال درمان‌های سطحی و مسکن هستند. جایگزینی داروهای وارداتی با مشابه داخلی بدون ارزیابی‌های دقیق بالینی، قیمت‌گذاری دستوری که تولیدکنندگان را از تولید منصرف می‌کند، و سیاست‌های ارزی ناپایدار، همه نشانه‌هایی از بحران‌های فراتر از صرفاً یک بحران دارویی است.

این بحران یک آینه است از نحوه تصمیم‌گیری در نظام سلامت. تا زمانی که این معضلات اساسی حل نشود، وضعیت دارو به هیچ عنوان بهتر نخواهد شد. مشکل فراتر از نبود دارو، فقدان یک سیاست منسجم، آیندنگرو با اراده برای حفظ سلامت مردم است. اکنون دیگر وقت آن رسیده که سیاست‌گذاران به جای برچیدن مشکلات، به حل آن‌ها پرداخته و درک کنند که سلامت مردم دیگر یک بحث انتخابی نیست؛ یک مسئولیت جدی است. شاید جدی‌تر از هر چیز دیگری...

کسی پاسخگو است؟

واکسن آنفلوآنزا؛ نمونه کوچک یک بحران بزرگ یکی از مشکلات جدی که نظام درمانی کشور با آن مواجه است، تأمین واکسن‌های ضروری مانند واکسن آنفلوآنزا است. برای کشوری با ۹۰ میلیون نفر جمعیت، تأمین ۲ تا ۳ میلیون دوز واکسن آنفلوآنزا به هیچ وجه کافی نیست. ضعف در برنامه‌ریزی، کمبود منابع یا هر دلیل دیگری که این بحران را ایجاد کرده باشد، به وضوح نشان‌دهنده نبود سیستم پیشگیری مؤثر است. هزینه درمان آنفلوآنزا در ایران به مراتب بیشتر از هزینه پیشگیری است، اما در نهایت دولت نتوانسته است برنامه‌ای مناسب برای پیشگیری از این بیماری ارائه دهد. این وضعیت سلامت مردم را به خطر انداخته و هزینه‌های درمان را به صورت بی‌رویه افزایش داده است.

سرخط

«وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی» مطرح کرد؛ گسست میان دانشگاه و صنعت، چالش اصلی علوم پایه پزشکی

وی استفاده از ظرفیت‌های قانونی، از جمله هدایت بخشی از مالیات صنایع برای سرمایه‌گذاری در پژوهش و فناوری دانشگاه‌ها را یکی از مسیرهای تقویت علوم پایه دانست و افزود: ایجاد دفاتر تخصصی برای مدیریت تعاملات پژوهشی و فناورانه می‌تواند علاوه بر توسعه علم، به بهبود شرایط معیشتی و کاری اعضای هیئت علمی نیز کمک کند.

ظرف‌قندی با اشاره به برگزاری جلسات منظم در سطح دولت برای بهبود وضعیت معیشتی اساتید و اعضای هیئت علمی گفت: این اقدامات با محوریت دولت در حال پیگیری است و پس از نهایی شدن، نتایج آن اعلام خواهد شد. اطمینان می‌دهم هر اقدامی که در توان وزارت بهداشت باشد، برای حل مشکلات علوم پایه پزشکی با جدیت دنبال خواهد شد.

در این مراسم، علی جعفریان مشاور عالی وزیر بهداشت و سرپرست معاونت آموزشی وزارت بهداشت، شاهین آخوندزاده معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، محمدرضا صبری دبیر شورای عالی برنامه ریزی و نایب رئیس ستاد تحول وزارت معاونت آموزشی وزارت بهداشت و طوبی غضنفری دبیر شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی حضور داشتند.

مرزبندی‌های بدون محتوای عملی، مانع همکاری و هم‌افزایی می‌شود و در نهایت بر جایگاه دانشگاه‌های کشور در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی نیز اثر منفی می‌گذارد، در حالی که بسیاری از تولیدات علمی مشترک میان دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشگاه‌های مادر کشور انجام می‌شود.

وی با اشاره به تجربه کشور چین در بازنگری هدفمند رشته‌های دانشگاهی خاطرنشان کرد: توسعه آموزش عالی باید متوازن، مبتنی بر نیاز کشور و بازار کار باشد، لازم است از گسترش بی‌رویه رشته‌هایی که فاقد کارکرد مؤثر هستند جلوگیری شود تا هم از بیکاری دانش‌آموختگان و هم از هدررفت منابع پیشگیری شود.

وزیر بهداشت همچنین بر ضرورت تقویت ارتباط دوطرفه دانشگاه و صنعت تأکید کرد و گفت: ارتباط مؤثر زمانی شکل می‌گیرد که هم صنعت به سراغ دانشگاه بیاید و هم دانشگاه فعالانه مسائل صنعت را شناسایی و پیگیری کند. در همین راستا، تفاهم‌نامه‌هایی میان وزارت علوم، وزارت اقتصاد و معاونت علمی ریاست‌جمهوری برای تسهیل این ارتباطات به امضا رسیده است.

اظهار کرد: بهداشت، داروسازی و سایر حوزه‌های علوم پایه، نقش بسیار پررنگی در توسعه علم و فناوری دارند و اساس بسیاری از دستاوردهای صنعتی و دارویی کشور، حاصل سال‌ها فعالیت علمی و تربیت نیروی انسانی در آزمایشگاه‌های علوم پایه است.

وی با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره نقش مقالات علمی افزود: تولید محصول و فناوری بدون پشتوانه علمی امکان‌پذیر نیست و حتی اگر خروجی مستقیم بالینی نداشته باشد، پایه بسیاری از محصولات صنعتی و دارویی، پژوهش‌هایی است که در گروه‌های علوم پایه و میکروبیولوژی دانشگاه‌ها شکل گرفته است.

وزیر بهداشت، مشکل اصلی فعلی را «گسست میان تولید علم و تولید فناوری» دانست و صریح کرد: اتصال میان دانشگاه، صنعت، پارک‌های فناوری و نظام سلامت به درستی برقرار نشده و همین مسئله موجب می‌شود ظرفیت‌های موجود به فعالیت نرسد، در حالی که تجربه دانشگاه‌های مختلف نشان می‌دهد حضور فعال علوم پایه در پارک‌های فناوری می‌تواند منجر به تولید محصول، صادرات و ایجاد ارزش افزوده شود.

ظرف‌قندی با انتقاد از ترسیم خطوط قرمز غیرکارکردی میان وزارت علوم و وزارت بهداشت گفت: این

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی کرج-نوبت دوم

برابر رای شماره ۸۴۸۲/۱۱۰۰۳۳۱۰۴۰۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبتي ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خسرو کاویانی بشناسنامه شماره ۴۱۹۱ صادره از کرج فرزند محمدعلی در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۳۱۳۵/۳۶ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۹۲۰ فرعی از ۱۴۲ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقایان غلامرضا ککاش کاری و عباس مرادخانی و با مالکیت مالک اولیه آقای نادر کمال زاده تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۵۷۱۱۴/ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۸/ اداره ثبت اسنادو املاک ناحیه ۳ کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی کرج-نوبت دوم

برابر رای شماره ۸۲۵۹/۱۱۰۰۳۳۱۰۴۰۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبتي ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید ساریخانی قلعه باباخانی بشناسنامه شماره ۳۰۶۲ صادره از تهران فرزند حسن رضا در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۷۴/۳۳ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۵۹ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقایان محمد و محمود اسمعلی و با مالکیت مالک اولیه آقای ذبیح اله خاکی جوان تایید مینماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۰۵۶۷۲۷/ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۶/۸/ اداره ثبت اسنادو املاک ناحیه ۳ کرج



دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۹۵۸

«استادار» از دانشجویان دعوت کرد؛

ایده‌هایتان را بیاورید

استاندار اصفهان از دانشجویان دعوت کرد برای راهبردهای کلیدی این استان موسوم به ۱۴۳ شامل (انرژی های تجدیدپذیر، گردشگری، هوش مصنوعی و خانواده) ایده پردازی کنند.

مهدی جمالی نژاد در نشست صمیمانه با دانشجویان در تالار شریعتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان افزود: مشورت با جامعه دانشگاهیان رویکرد متمایز مدیریت استان است چرا که این موضوع راهگشای مشکلات خواهد بود.

پیشرفت مستمر پروژه های کلیدی استان

وی در پاسخ به واگوئیه ها و پرسش های شماری از نمایندگان تشکل های دانشجویی استان افزود: هیچ پروژه عمرانی در استان متوقف نشده و با سرعت بیشتر نسبت به گذشته درحال انجام است؛ این آمادگی وجود دارد که با حضور نمایندگان دانشجویان از روند پیشرفت پروژه‌های مختلف بازدید کنیم.

جمالی‌نژاد افزود: پروژه‌های نیمه‌تمام بسیاری نه تنها در اصفهان بلکه در سراسر کشور وجود دارد که از جمله آن‌ها نهضت ملی مسکن، مسکن مهر و اقدام ملی است.

وی به تعهدات دولت‌های پیشین در این زمینه اشاره و بیان کرد: چهار هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی تا پایان سال به متقاضیان نهضت ملی مسکن و جوانی جمعیت تحویل داده خواهد شد.

ضرورت پرهیز از تضعیف سفر رئیس جمهور به اصفهان جمالی نژاد در پاسخ به ابهامات دانشجویان پیرامون سفر رئیس‌جمهور به اصفهان عنوان کرد: سفرهای ریاست‌جمهوری به استان‌ها در ۲ بخش رویدادی و استانی انجام می‌شود؛ سفر دکنر پزشکیان به اصفهان نیز به منظور حضور در چند رویداد انجام شد و هدفی مبنی‌بر انجام سفر استانی وجود نداشت اما با این وجود، مسائل استان در جلسات متعدد رئیس‌جمهور با فعالان اقتصادی، کشاورزان و نمایندگان مجلس مطرح شد.

جمالی‌نژاد تاکید کرد: پیگیری مطالبات استان به این سفر محدود نشد و پس از آن نیز چندین جلسه در خصوص آب، فرونشست هوا و نظام مسائل اصفهان با حضور رئیس‌جمهور، برخی وزرا و مدیران استان‌های ذینفع برگزار شد.

وی همچنین در واکنش به پرسش یکی از دانشجویان

در راستای اجرای طرح‌های زیباسازی و کاهش آلودگی بصری سطح شهر، عملیات زیباسازی دکل مخابراتی واقع در بلوار درختی پارک عطار توسط سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری کرج انجام شد و به پایان رسید.

این اقدام که توسط سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری کرج انجام شد، با هدف تبدیل سازه‌های فنی به المان‌های هنری و سازگار با فضای سبز شهری صورت پذیرفته است.

دکل مخابراتی پارک عطار لباسی نو به تن کرد

معاون زیرساخت و شبکه سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری کرج در این خصوص اظهار داشت: یکی از دغدغه‌های همیشگی مدیریت شهری، موضوع اغتشاشات بصری ناشی از تعدد دکل‌های مخابراتی در مناطق پرتردد و فضاهای سبز است. پروژه زیباسازی دکل‌های مخابراتی، از جمله دکل مهمی که در بلوار درختی پارک عطار قرار داشت، با هدف ارتقاء سیما و منظر شهری به مرحله اجرا درآمد.

رضا صفاری، افزود: در این طرح، تنها به پوشاندن دکل بسنده نکردهایم، بلکه با استفاده از طرح‌های خلاقانه تلاش کردیم تا دکل به عنصری زیبا و چشم‌نواز در محیط شهری تبدیل شود. به گفته صفاری، هدف نهایی این است که دکل‌های مخابراتی از یک سازه صنعتی صرف، به جزئی از هویت بصری شهر تبدیل شوند.

وی اذعان کرد: در تمام مراحل اجرای پروژه، توجه ویژه‌ای به حفظ

دنیایک سه‌وادار

نصف‌جهان



که جزو اولویت ها نباشند.

جذب مشارکت خیران برای تحقق مطالبات مشترک دانشجویی

استاندار اصفهان در پاسخ به انتقاد دانشجویان علوم پزشکی در ارتباط با افزایش ظرفیت پذیرش، گفت: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل افزایش ظرفیت‌ها و ایجاد زیرساخت‌های لازم بوده اما بخش دوم هنوز عملیاتی نشده است.

وی افزود: هر دانشگاه باید تلاش کند تا در شرایط فعلی با استفاده از ظرفیت‌های خود این مشکل را حل کند و مدیریت استان نیز به عنوان یک مطالبه پیگیر این مسئله از مراجع ذیربط است.

جمالی نژاد افزود: مطالبات مشترک دانشجویان برای زیرساخت های آموزشی و رفع مشکل خوابگاه های فرسوده یا جذب مشارکت خیرین امکان پذیر است و در دستور کار قرار می گیرد.

وی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان در باره وضعیت تردد دانشجویان به دانشگاه‌های کاشان افزود: مسیر اصفهان به کاشان در حال روکش‌سازی است و به زودی آماده می شود.

جمالی نژاد گفت: همچنین مسائل مطرح شده پیرامون انحصار اتوبوس به کاشان در اختیار یک شرکت را پیگیری و رفع خواهیم کرد.

جمالی‌نژاد در باره مطالبات مطرح شد برای بودجه

در مسابقات قهرمانی کشور؛ دختران کوراش کار اصفهانی درخشیدند



بیشترین مدال، عنوان قهرمانی تیمی را از آن خود کرد. تهران در جایگاه دوم و مازندران درجایگاه سوم ایستادند. همچنین، تیم کرمانشاه به‌عنوان تیم اخلاق این دوره از مسابقات معرفی گردید.

آذرماه ۱۴۰۴ در شهرستان فلاورجان که در حاشیه اصفهان واقع شده برگزار شد.

در این رقابت‌ها، ۱۷۲ کوراش‌کار از ۱۸ استان کشور به مصاف یکدیگر رفتند و در پایان، نفرات برتر اوزان مختلف معرفی شدند:

در وزن ۴۸ کیلوگرم: مقام اول: عسل رضایی از (تهران)
مقام دوم: مهسا شکراللهی از (اصفهان)
مقام سوم مشترک: زهرا سکاکی (خراسان رضوی) و یکتا منجزی (سیستان و بلوچستان)

در وزن ۵۲ کیلوگرم: مقام اول: فاطمه‌سادات حسینی از (اصفهان)
مقام دوم: حدیث باغچقی از (خراسان شمالی)
مقام سوم مشترک: زهرا محبی‌راد و مهنا یگانه (هر دو از خراسان شمالی)

در وزن ۵۷ کیلوگرم: مقام اول: ستایش جلال‌الدین از (اصفهان)
مقام دوم: رُز صالحی (سیستان و بلوچستان)
مقام سوم مشترک آسنا کلامی (سمنان) و مهسا ربیعی از (همدان)

در وزن ۶۳ کیلوگرم: مقام اول: ساغر کیماسی (اصفهان)
مقام دوم: یاسمن نورانی از (خراسان

اصغر قلندری

شهرستان فلاورجان رکورددار میزبانی مسابقات مختلف ورزشی کشور در سال ۱۴۰۴ شد.

اداره ورزش و جوانان این شهرستان با مدیریت قابل تحسین مهدی مرادی که از سوی مقامات محلی بویژه نماینده مجلس و یارحممدیان فرماندار شهرستان و همچنین حمایت همه جانبه اداره کل ورزش و جوانان استان و برخوردار از امکانات و سالن‌های متعدد اردوگاه شهید بهشتی شهرابیشم این بار میزبان موفق مسابقات قهرمانی کوراش کشور بود که با حضور ۱۷۲ کوراش کار از سراسر کشور برگزار شد.

دختران کوراش کار استان اصفهان در این رقابت‌ها ها با کسب چهار مدال طلا و دو نقره و یک برنز گوی سبقت را از دیگر حریفان ربودند و جام قهرمانی را در خانه نگه داشتند.

مسابقات کوراش دختران رده سنی زیر ۲۱ سال قهرمانی کشور طی دو روز بیستم و بیست و یکم

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای

فاقد سند رسمی –اشتهارد (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۱۴۰۰۱۴۴۳/۰۳۱۰۱۴۰۰۴۶۰۳۱۰۱۴۰۴/۰۷/۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اشتهارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن برهانی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۱۰۳۴۵۵ و بشماره ملی ۰۳۸۰۹۵۰۵۱۰ صادره از قم نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۵۴۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۲۳ فرعی از ۹۱ اصلی واقع در مزرعه آهنگران خریداری از مالک رسمی آقای حسینعلی صفرخانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
۲۰۷۱۲۳۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

اداره ثبت اسناد و املاک اشتهارد

دکل مخابراتی پارک عطار لباسی نو به تن کرد

استاندارهای فنی و ایمنی دکل شده است تا ضمن زیباسازی، کیفیت خدمات ارتباطی شهروندان به هیچ وجه تحت تأثیر قرار نگیرد و سلامت عمومی نیز تضمین شود.

این مسئول خاطرنشان کرد: این سازمان برنامه‌های گسترده‌ای را برای ادامه روند زیباسازی و ساماندهی سایر دکل‌های مخابراتی در مناطق مختلف شهر کرج در دست اقدام دارد تا گام به گام شاهد شهری زیباتر و هماهنگ‌تر با نیازهای بصری شهروندان باشیم.

در شهر

نگاه

اصرار بر تنفر زایی؛

سقوط آزاد به سبک خداداد

سیدرضا فیض‌آبادی

چه اتفاقی می افتاد که یک نفر یک شبه عزیز یک ملت می شود و در قلب میلیون‌ها ایرانی جا می گیرد ولی خودش اصرار دارد که منفور شود و اینقدر نفرت پراکنی می کند تا همان مردم در پی نوشت های خود بنویسند کاش پای علی دابی پیچ می خورد (دور از جان علی آقا) و اون پاس محشر در ۸ آذر ۱۳۷۶ به خداداد نمی داد. خداداد تا زمانی که در نقش یک اپوزیسیون فوتبالی راجع به فدراسیون و مربیان سیاه کارا و برخی از مدیران حرفی می‌زد و گاه مژه پلانی بی مزه می کرد قابل تحمل بود ولی در این دو سه سال از مرز اخلاق و ادب و شعور گذر کرده و بجای اینکه اشتباهاتش را اصلاح کند هر روز خراب‌تر می کند.

این خداداد با آن خدادادی که با پدر و مادر خدایبامرزش در ۶ سالگی از چشمه ایلخچی فریمان مهاجرت کردند به مشهد قابل مقایسه نیست... این خداداد با آن خدادادی که حاج کاظم قیاسی کشف و تربیتش کرد و سپس به ابومسلم آمد و تیم ملی امید و پرسپولیس آسیایی و سپس جام ملت های ۹۶ امارات خیلی فرق کرده؛ آن موقع گاهی در اردو ها با بازیکن و مربی و سایرین کل کل می انداخت اما... حتی وقتی یک ایران را در ملبورن به شادی و شعف در آورد هم ادعایی نداشت و عامل محبوبیتش همین افتادگی و روی خوش نشان دادن به مردم بود. حتی وقتی از جمع دستیاران قلعه نویی جدا شد هم باز جایگاهی نزد مردم داشت اما از وقتی با وحید شمسایی قبل از سقوط پشار اسد به سوریه رفت و بلافاصله به نیمکت تراکتور اضافه شد هر روز یک حاشیه درست کرد و کلا عوض شد. انکار خیلی اون پارتی بالایی بهش اختیار داده برای همین باد به غیغی می اندازد که یکی اون بالا دارم که خیلی بزرگه!

کم که از حاشیه گذشت و به لودگی رسید، سال گذشته جملاتی علیه تاج رئیس فدراسیون فوتبال بکار برد که وهن یک فرد شناخته شده است. باز هم اینها قابل اغماض بود اما بکار بردن اصطلاحاتی سخیف و زشت و غیر قابل تحمل در شبکه سوم سیما و سپس اصرار و تاکید بر مواضع خودش دو روز بعد از دسته گلی که به آب داد برای همیشه به نفرت خانه جامعه پیوست. عجیب است که هنوزهم می گوید همه شما (منظور خبرنگاران و گزارشگران) در شبانه روز بارها بکار می برید

ولی من که توی تلویزیون گفتم اخی شد! می گوید من چون از ریاکاری بدم میاد همانکه در کوچه پس کوچه های چاله میدون بکار می‌رود را در تلویزیون هم گفتم الانم می گویم چون خیلی بزرگه... آن بالایی که پارتی من شده خیلی کارش درسته برای همین از کسی نمی ترسم! خداداد عزیزی یا نمی فهمد چه گفته یا دانسته تیشه برداشته و تمام افتخارات و محبوبیتش را به حراج گذاشته است.

آقای خداداد: تو همین حرف را به پسرت و در محیط خانه هم بکار می‌بری؟ خداداد دوست داشتنی سابق! کاش می‌دانستی چه آسیبی به واژه محبوبیت زدی... آنقدر زشت و کریه حرف زدی که می گویند کاش آن توپ را مارک بوسنچر زده بود؛ کاش تهایی زده بود ... و یک نکته که گفתי من اون بالا بالا خیلی بالا یک آدم خیلی بزرگ دارم... این‌ها که گفתי کوچک بودن خودتو نشون دادی! اون بالا فقط خدا هست و دیگران همه بنده اویند...

آقا خداداد! تو می‌دانی که خود من چقدر دوست داشتم و وقتی ابومسلم بودی با اتوبوس ابومسلم و اکبرآقا میثاقیان چند بار همراهتان بودم، ولی این جملات اخیر به کلی نا امیدمان کرد... این همه اصرار بر تنفر زایی و فاصله گرفتن از مردم عجیب است!

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای اسحق کیا اصالتا و وکالتا برابر وکالت نامه شماره ۷۳۹۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۷/۱۷ تنظیمی دفترخانه ۲۷۴ تهران از طرف مالکین مشاعی سعید هفت لنگی و محمد کیا ضمن تسلیم شش برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۱۰۰ متر مربع قطعه ۳۵ تکنیکی به شماره ۱۰۲۲۲ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاکهای ۱۰۸۷ و ۱۴۰۹ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در قریه سرحدآباد جزء حوزه ثبتی شهرستان کرج انتقالی از دانیل ماطاوس پورهاریطونی که ذیل ثبت ۱۳۶۵۹۳ صفحه ۲۳ جلد ۶۸۸ دفتر املاک در تاریخ ۱۳۵۳/۰۷/۱۱ به نام آقای یوشادار آذرینیا فرزند رافیک به شماره شناسنامه ۱۴۷۰ صادره از بخش ۳ تهران ثبت سند و مالکیت به شماره چاپی ۷۷۳۸۵۷ صادر و برابر سند قطعی شماره ۶۸۴ مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۲۸ دفترخانه ۴۷۴ تهران به آقای اسحق کیا فرزند بابا به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از شهیران منتقل و چهار دانگ و نیم مشاع از شش دانگ برابر سند قطعی شماره ۷۳۹۱ مورخ ۱۳۸۲/۰۷/۱۷ دفترخانه ۴۷۴ تهران به ۱۰ آقای سعید هفت لنگی فرزند جهانگیر به شماره شناسنامه ۳ صادره از شهیرپار و ۲ آقای محمد کیا فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۴ صادره از شهیرپار و ۳ - خانم منصوره کیانی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۳۸۷ صادره از شهیرپار بالاسویه منتقل و برابر سند رهنی شماره ۲۱۵۰۶۳ مورخ ۱۳۸۳/۰۷/۱۶ دفترخانه ۳۹ تهران در رهن بانک سپه گرفت سپس نسبت به پلاک فوق تقاضای سند المثنی نموده که پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت المثنی به شماره چاپی ۱۸۶۳۸۷ صادر شد که در آن سند رهنی از قلم افتاده است و برابر سند قطعی شماره ۹۱۷۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ دفترخانه ۲۴۴ تهران به آقای علیرضا نیایب نیک کار فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۰۰۱۳۲۲۳۳۲۳۲ صادره از تهران منتقل گردید سپس برابر نامه بشماره ۱۳۳۹۴۱۵۳/۰۳۰۱۹۹۰۰۱۴۰۳/۰۹/۰۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۵ در اجرای دادنامه شماره ۰۰۲۴۱۹۸۰۵/۰۳۰۱۹۰۰۰۱۴۰۳/۰۹/۳۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۳۱ شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فردیس و نامه شماره ۰۰۰۰۴۹۱۳/۰۳۸۵۶۳۱۰۰۰۰۱۴۰۳۸۵۶۴۴۸۰۰۰۱۲۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ دفتر خانه ۲۴۴ تهران در اجرای ماده ۷۱ قانون دفاتر اسناد رسمی نسبت به ابطال اسناد قطعی شماره ۹۱۷۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ در خصوص پلاک مذکور اقدام گردید. وکیل مالکین مشاعی اعلام نموده که سند المثنی صادره به سربال ۱۸۶۳۸۷ به علت جابجایی مفقود گردیده که تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مجدد را از این اداره نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را در این اداره قضایی ننماید بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی برابر مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد .
شایان ذکر است که دفترخانه ۴۷۴ تهران برابر نامه شماره ۰۰۰۰۲۳۳۰۲۸۴۳/۰۴۸۵۶۰۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ در اجرای بند ۵۰ مجموعه بخشنامه های ثبتی اعلام نموده که سند اولیه به اسحق کیا گردیده شد.
۲۰۷۲۲۲۷۱

اداره ثبت اسناد املاک فردیس

